

جهان نمی‌تواند بدون نفت ایران سر کند



رئیس مجتمع پتروشیمی پارس خبر داد:
ثبت رکوردی تازه در تولید و فروش پتروشیمی
رئیس مجتمع پتروشیمی پارس از شکسته شدن سه رکورد تولید، تداوم تولید با ظرفیت حداکثری و فروش در این پتروشیمی که از آبان ماه سال گذشته در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفت، خبر داد.

به گزارش ایسنا، سیدحمید زارع با اشاره به ثبت رکورد جدید در واحد استاتین منومر این مجتمع گفت: تولید در این واحد پس از انجام تعمیرات از ابتدای دی ماه سال گذشته تا ۱۹ خرداد ماه امسال بیش از ۱۷۰ روز بی‌وقفه با ظرفیت ۱۰۱ تا ۱۰۶ درصد تداوم دارد.

وی با بیان این که رکورد تداوم تولید در واحد استاتین منومر پتروشیمی پارس پیش از این حداکثر ۹۰ روز متوالی آن هم با ظرفیت پایین‌تر از صد درصد بوده است، افزود: پیش‌بینی می‌کنیم این تداوم تولید به همین میزان و بدون وقفه ادامه داشته باشد. رئیس مجتمع پتروشیمی پارس با اشاره به اینکه افزایش تولید تنها منحصراً به واحد استاتین منومر نیست، افزود: رکورد تولید در پتروشیمی پارس در مجموع و در همه محصولات در دو ماه ابتدایی امسال نسبت به تمامی ادوار گذشته شکسته شده است.

زارع یادآوری کرد: تولید مجتمع پتروشیمی پارس در واحد استحصالی اتیل بنزن و استاتین منومر در ماه‌های فروردین و اردیبهشت ماه امسال در مجموع ۷۶۹ هزار و ۶۱۹ تن بوده و تولید محصولات مختلف، نسبت به برنامه تولید ۱۱۸۹ درصد و نسبت به طراحی ۱۰۷ درصد محقق شده که در طول کارکرد مجتمع بی‌نظیر است. وی ادامه داد: رکوردشکنی پتروشیمی پارس در تولید البته منجر به رکوردشکنی در فروش هم شده است. بدین معنا که فروش محصولات مجتمع شامل استاتین منومر، LPG و اتان در اردیبهشت ۹۸ حداکثر میزان فروش در تمامی سال‌های اخیر بوده است. این مقام مسئول در پتروشیمی پارس تصریح کرد: در حالی که این مجتمع ۱۵ آبان ۹۷ در فهرست تحریم آمریکا قرار گرفت، اما هم‌اکنون شاهدان هستیم که بیشترین تولید، فروش داخلی و صادرات در پتروشیمی پارس در اردیبهشت ماه امسال تحقق یافته است. بنا بر اعلام وزارت نفت، این آمار رکوردشکنی نشان می‌دهد تحریم‌ها به معنای واقعی کلمه و با استناد به آمار دقیق، تأثیری در روند کاری و صادرات نداشته است. رئیس مجتمع پتروشیمی پارس تأکید کرد: نکته مهم اینجاست که روند مثبت تولید و فروش در پتروشیمی پارس متوقف نشده و در خردادماه وضع فروش به گونه‌ای است که امروز حداقل موجودی را در مخازن ذخیره داریم.



نگرانی صنایع کشتی‌رانی از حادثه نفتکش‌ها در دریای عمان
حادثه نفتکش‌ها در دریای عمان باعث شده باز یگان اصلی صنعت کشتی‌رانی با تردیدهایی درباره تأمین امنیت کشتی‌هایشان مواجه شوند. به گزارش ایلنا به نقل از خبرگزاری فرانسه، پس از حادثه نفتکش‌ها در دریای عمان، هزینه‌های بیمه کشتی‌ها در خاورمیانه نیز دست کم ۱۰ درصد افزایش داشته است.

پس از حادثه نفتکش‌ها در دریای عمان، هزینه‌های بیمه کشتی‌ها در خاورمیانه دست کم ۱۰ درصد افزایش داشته است.

این حادثه نگرانی‌های بسیاری را برای انتقال نفت خام از طریق کانال‌های کشتی‌رانی به وجود آورده است و باعث شد که قیمت نفت چهار و پنج دهم درصد افزایش داشته باشد.

این در حالی است که برخی نفتکش‌ها سفرهای خود به خلیج فارس را به حالت تعلیق در آورده‌اند. هزینه ترابری نفتکش‌های بزرگ پیش از این حادثه نیز در دو ماه گذشته میلادی به بالاترین رقم خود رسیده بود و از روزی دو هزار دلار در روز چهارشنبه به ۱۳ هزار دلار در روز پنج‌شنبه رسید. شرکت‌های بیمه‌عنوان کرده‌اند که بزرگ‌ترین نفتکش‌هایی که در خاورمیانه مشغول به کار است، پس از وقوع این حوادث، با ۲۰۰ هزار دلار هزینه اضافی برای سفری هفت‌روزه، مواجه است. این رقم در مقایسه با اوایل هفته گذشته نزدیک به دو برابر شده است.

رضا قریشی استناد ایرانی اقتصاد سیاسی در دانشگاه استاکتون نیوجرسی است. وی معتقد است کیش و قشم و خارک می‌توانند به راحتی جای دبی و دوحه را بگیرند و یا از آنها پیش‌افتند. او می‌گوید بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی مشاقت هستند که از ایران بصورت «هاب» استفاده و محصولات تولید شده در ایران را به کشورهای همسایه صادر کنند. در ادامه مشروح گفت‌وگوی ایلنا با قریشی را می‌خوانید:

■ در سال‌های اخیر همیشه مسئولان نظام بر اقتصاد بدون نفت تأکید داشتند و در شرایط کنونی و تشدید تحریم‌ها گویا فرصت مناسبی برای این موضوع رخ داده است. لطفاً بفرمایید الزامات این حرکت چه می‌تواند باشد؟

بحث «اقتصاد بدون نفت» بر پایه این اصل بنا شده که یک اقتصاد شکوفا نباید «تک محصولی» باشد، یعنی به یک (یا چند) کالا وابسته نباشد، بخصوص اگر محصولات معدنی باشند که صرفاً استخراج و به صورت خام صادر می‌شوند که در آن کار آفرینی جنبه ناچیزی دارد. اینکه ایران بتواند اقتصادی شکوفا بدون اتکا به درآمد نفت داشته باشد البته خوب است، اما از این نباید نتیجه گرفت که درآمد نفت «بد» است، چیزی که متأسفانه گهگاه گفته می‌شود.

آنچه که امروز در ایران می‌گذرد یک «انتخاب» نیست بلکه اجباری

تحمیل شده است. در نتیجه باید از ساز و کار برای فرو نیاشیدن اقتصاد سخن گفت نه ساز و کار برای شکوفایی آن. تمام هم و غم زمامداران اقتصاد ایران آن است که چگونه از این وضعیت خارج شویم. بارها گفته شده که معضل ریشه‌ای اقتصاد ایران آن است که «سیاست زده» است، یعنی به جای آنکه سیاست در خدمت اقتصاد باشد اقتصاد در خدمت سیاست است. مفهوم این حرف در بعد داخلی این است که به جای آنکه ضوابط اقتصادی چون هزینه، بازدهی و رقابت تعیین‌کننده تصمیم‌گیری و اختصاص منابع باشند، نزدیکی به مراکز قدرت و دولت است که «برنده» را برمی‌گزیند. نتیجه آن حیف و میل منابع، فساد و رشوه، باندبازی، احتکار و عدم شفافیت حاکم بر اقتصاد ایران است. حالا باید ساز و کاری یافت تا اقتصاد را از چنگ این بلبسه سیاسی آزاد کرد. پیش شرط برون رفتن از این مخمصه حل مشکلات سیاسی است.

در زمین داخلی این ساز و کار کاهش نقش دولت و نهادهای شبه‌دولتی در امور روزمره اقتصاد، بالا بردن شفافیت، برقراری ضابطه به جای رابطه و حکومت قانون است. در زمینه خارجی هم مذاکره با کشورهای دیگر و رسیدن به راه‌حل‌های مورد قبول طرفین است. **■ آیا شما نفت را ذاتاً مخرب اقتصاد می‌دانید یا اینکه ما نتوانستیم همانند کشورهای دیگر چون نروژ استفاده بهینه از این امکان خدادادی را داشته باشیم؟**

این حرف (نفت ذاتاً مخرب) بدان می‌ماند که فردی ثروتمند با دارایی دست آورده و آن راه نادرست مصرف کرده و به فساد کشیده شود و بعد نتیجه بگیریم که ثروت عامل فساد است! درآمد نفت نه تنها مخرب نیست بلکه اگر درست مصرف می‌شد (بشود) راه رسیدن به یک اقتصاد مدرن است با کمترین هزینه. این می‌تواند ما را (تا حدی توانسته) از مشقات «انباشت اولیه» برهاند. برای آنکه یک اقتصاد بدوی به یک اقتصاد مدرن و شکوفا تبدیل شود نیاز به سرمایه‌گذاری عظیم دارد. این سرمایه معمولاً از طریق «شک و آه و خون» (آنچنان که مارکس می‌گوید) کارگران انباشت می‌شود. درآمد نفت می‌تواند و باید صرف اینگونه سرمایه‌گذاری‌های پای‌های شود. در ایران، بویژه دوره آقای احمدی‌نژاد، صدها میلیارد دلار درآمد نفت به طرق مختلف حیف و میل شد و جز «تخریب» نتیجه‌ای به بار نیاورد. اما اشکال درآمد نفت نبود، بلکه سیاست‌های غلط داخلی بود.

■ به نظر می‌رسد ما در سال‌هایی که در آرامش و ثبات نسبی به فروش نفت و گاز ایران می‌پرداختیم، دیپلماسی معین و مشخصی در سطح بین‌الملل برای انرژی بویژه نفت مشخص نکردیم، ارزیابی شما چه می‌تواند باشد؟

متأسفانه ما در آن سال‌ها که به فروش نفت و گاز می‌پرداختیم، دیپلماسی معین و مشخصی در سطح بین‌الملل برای انرژی بویژه نفت نداشته‌ایم؛ چنان نمی‌تواند

بدون نفت ایران زندگی کند. اگر جلوی صدور نفت ما را بگیرند اقتصاد جهان دچار بحران‌های بزرگی می‌شود، پس ما هر کاری دلمان خواهد می‌کنیم. آقای اوباما مدت‌ها با مقامات سیاسی و نفتی کشورهای همسایه مذاکره و تبادل نظر کرد که چگونه تحریم‌های نفتی علیه ایران را اجرایی کند که بازار جهانی نفت را به تلاطم نکشد و بالاخره به کاهش تدریجی صادرات آن تا حدود یک میلیون بشکه در روز، نه به صفر رساندن آن، رضایت داد.

■ ایران برای اینکه بتواند در درآمدهای ارزی خود تنوع سازی ایجاد کند به نظر شما در چه بخش‌هایی از اقتصاد این پتانسیل برای تعریف منبع جدید ارز آوری وجود دارد؟

پتانسیل‌های اقتصادی ایران فراوان و متنوع‌اند. برخی بنگاه‌های مشورتی سرمایه‌گذاری برای اقتصاد ایران توان جذب تا حدود ۹۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی را مطرح کرده‌اند. مقالاتی نظیر توریسم یا استخراج منابع و معادن متنوع کمابیش شناخته شده‌اند. وجود یک بازار مصرفی هشتاد میلیونی با مصرف‌کنندگانی با سطح بالاتر از توقعات منطقه و نزدیک‌تر به جوامع پیشرفته، و مهمتر، نیروی کاری با تحصیلات و تخصص بالا در منطقه از جمله دیگر جاذبه‌های اقتصادی ایران هستند.

مهمترین جاذبه اقتصادی ایران موقعیت جغرافیایی آن است که آن را به دروازه‌ای به آسیای مرکزی و کشورهای همجوار

محدود در خشکی و حتی جنوب و مرکز روسیه تبدیل کرده است. بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی مشاقت هستند که از ایران بصورت «هاب» استفاده کنند و محصولات تولید شده در ایران را به کشورهای همسایه صادر کنند.

امارات متحده عربی یکی از سه طرف عمده تجارت خارجی ایران است. کیست که ندادند نه امارات کالایی برای بازار ایران تولید می‌کند، و نه بازارش چنان بزرگ است که طرف سوم ایران باشد. چندین میلیارد دلار تجارت خارجی با امارات به این دلیل است که به دلایل سیاسی نمی‌توانیم کالاها را مستقیماً وارد یا صادر کنیم و به واسطه نیاز داریم. هیچ دلیلی مانع آن نیست که کیش و قشم و خارک جای دبی و دوحه را بگیرند و یا از آنها پیش‌افتند.

■ شما اشاره به تحریم‌های ترامپ کردید اما اخیراً رییس جمهور آمریکا بار و بکر دو گانه، گاهی از مذاکره و گاهی از جنگ صحبت می‌کند. به نظر شما منظور ترامپ از این گفتارهای دوگانه چیست؟ و آیا هدف ترامپ از افزایش تحریم‌ها حرکت به سمت جنگ است؟

ابتدا بگویم که من به دلایل مختلف با تحریم‌ها مخالفم. مهمترین دلیل آنکه این تحریم‌ها عامدانه مردم ایران و بویژه اقشار کم درآمد را هدف گرفته‌اند. دولت آمریکا می‌گوید تغییر رژیم را «از طریق نظامی» نمی‌خواهد و من باور می‌کنم زیر او نمی‌تواند، و ثانیاً طعم تلخ ابعاد فاجعه در مورد عراق همچنان باقی است. دولت آمریکا خواهان مذاکره برای «تغییر رفتار» کار از «فشار حداکثری» استفاده می‌کند.

علاوه بر فشار بر حاکمیت، برای مذاکره نیز می‌پندارد که فشار به مردم آنها را وادار به فشار به حکومت کند.

اینکه این سیاست جواب دهد به شدت مشکوک است اما تناقضی با گفتارهای آقای ترامپ ندارد. ایشان مدعی است که خواهان مذاکره است و تازمانی که جمهوری اسلامی از مذاکره خودداری می‌کند ایشان تحریم‌ها را ادامه داده و در صورت توان تشدید می‌کند.

به نظر من اتفاقاً تشدید تحریم‌ها به معنای ناامیدی از راه حل نظامی (یک جنگ تمام عیار به منظور تغییر رژیم) است. در هر حال امکان درگیری‌های موضعی (سپهوا یا عمداً) وجود دارد و می‌تواند به درگیری‌های بزرگتر بیانجامد.



درآمد نفت نه تنها مخرب نیست، بلکه اگر در دست مصرف‌بشود، راه رسیدن به یک اقتصاد مدرن است با کمترین هزینه. این می‌تواند ما را (تا حدی توانسته) از مشقات «انباشت اولیه» برهاند

■ به نظر شما ترامپ چه امتیازات اقتصادی و سیاسی می‌تواند به ایران بدهد تا ایران را متقاعد به حضور در میز مذاکره کند؟

من معتقدم که ایران برای به میز مذاکره آمدن احتیاجی به امتیازات آمریکا ندارد. ایران برگ‌های برنده خوبی دارد که اگر اراده کند می‌تواند با آنها بر سر میز مذاکره بنشیند. فراموش نکنیم که کشورها

در روابط بین‌المللی «دوست و دشمن» ندارند بلکه «منافع ملی» دارند، ایران و آمریکا در برخی موارد مهم اشتراک منافع ملی دارند. مثلاً هر دو خواهان حفظ امنیت کشتیرانی و ممانعت از اعمال تروریستی در خلیج فارس و تنگه هرمز هستند.

هر دو خواهان تقویت دولت مرکزی عراق و افغانستان و مقابله با القاعده و داعش در آن کشورها هستند. و در یک رابطه معمولی (نه خوب) با آمریکا به ایران اجازه می‌دهد که از «کارت» آمریکا برای مقابله با زیاده‌خواهی‌های برخی کشورهای استفاده کند. کاری که ترکیه و عربستان «متحدان» منطقه‌ای آمریکا می‌کنند.

البته که دو طرف اختلافات فراوانی هم دارند. اگر اختلافی نداشته‌اند برای چه مذاکره کنند؟ بنظر من مهم است که این درک غلط که «مذاکره» را معادل «تسلیم» می‌دانند از بین برفته و طرف ایرانی با اتکا به نفس و بدون ترس اگر اراده کند می‌تواند پای میز مذاکره بنشیند.

ناگفته پیداست که آمریکا و ایران خطوط قرمزی دارند که طرف دیگر باید رعایت کند، اما تنها از طریق مذاکره مستقیم و رودر رو است که این نکات مطرح می‌شوند.



می‌گویند و حتی دولت سه وزیر اقتصادی خود را تغییر می‌دهد اما بخش خصوصی این نیاز را حس نمی‌کند و به دنبال ادامه روال قبلی است.

اتاق بازرگانی تهران، شاهد تشریفاتی ترین انتخابات هیئت رئیسه اتاق بازرگانی ایران باشیم آن هم در دوره‌ای که همگی از لزوم تغییرات در تبیین استراتژی اقتصادی

دادن صندلی ریاست به شافعی سه صندلی دیگر از هیئت رئیسه را در اختیار بگیرد و به احتمال زیاد انصاری، مقیمی، زرگران و امیرزاده نمایان رئیس اتاق بازرگانی خواهند شد.

به نظر می‌رسد نگرانی کارشناسان از بی‌تفاوتی و راکد بودن اتاق در دوره جدید به حق بوده وقتی در اکثر اتاق‌ها لیست حاکم به صورت حداکثری رای آورد و ترکیب هیئت نمایندگان یکدست شد، خلاقیت و نوآوری و شاید ریسک‌پذیری و جسارت که از شاخصه‌های جوانان است، به کنار رفت و اکنون پس از مسن‌ترین هیئت رئیسه تاریخ

اتاق بازرگانی تهران، شاهد تشریفاتی ترین انتخابات هیئت رئیسه اتاق بازرگانی ایران مسعود خوانساری با اختلاف ۲ رای صندلی ریاست را به شافعی داد اما گویا این بار زرگان پارلمان بخش خصوصی تصمیم گرفتند که رقابتی در واقع نباشد و طیف خوانساری با

و پایین رفتن است گویا پارلمان بخش خصوصی حوصله هماهنگ کردن خود با شرایط جدید را ندارد و ترجیح می‌دهد که همان سیاست و روال قبل را حفظ کند و با حداقل تغییرات نظاره‌گر تلاطم‌های اقتصادی کشور باشد و اگر هم شد در این وانفساز بخش خصوصی که در حال له شدن است، دفاع کند.

در آخرین انتخابات ریاست اتاق بازرگانی مسعود خوانساری با اختلاف ۲ رای صندلی ریاست را به شافعی داد اما گویا این بار زرگان پارلمان بخش خصوصی تصمیم گرفتند که رقابتی در واقع نباشد و طیف خوانساری با

به نظر می‌رسد نگرانی کارشناسان از بی‌تفاوتی و راکد بودن اتاق در دوره جدید به حق بوده وقتی در اکثر اتاق‌ها لیست حاکم به صورت حداکثری رای آورد و ترکیب هیئت نمایندگان یکدست شد، خلاقیت و نوآوری و شاید ریسک‌پذیری و جسارت که از شاخصه‌های جوانان است، به کنار رفت و اکنون پس از مسن‌ترین هیئت رئیسه تاریخ اتاق بازرگانی تهران شاهد تشریفاتی ترین انتخابات هیئت رئیسه اتاق بازرگانی ایران باشیم.

به گزارش خبرنگار اقتصادی ایلنا، در حالیکه اوضاع اقتصادی مدام در حال بالا

بخش خصوصی لزومی به تغییر نمی‌بیند

تشریفاتی ترین انتخابات هیئت رئیسه اتاق بازرگانی ایران برگزار شد

گزارش